مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی
شماره‌های ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۸۹،صفحات ۱۴۶ - ۱۳۱

میز گرد

هدفمندی یارانه‌ها، پیامدها و سیاست‌های پولی

پرداخت یارانه‌ها از طریق اختلال در قیمت‌های نسبی آثار متنوعی بر اقتصاد ایران بر جای گذاشته است و الگوی مصرف، بودجه خانوارها، بنگاه‌ها، دولت و شرکت‌های دولتی را به نحوی شکل داده است که تداوم آن عملاً میسر نمی‌باشد. در این راستا از جمله دغدغه‌های دولت در برنامه‌های توسعه پس از جنگ اصلاح قیمت‌ها و استقرار یک نظام هدفمند یارانه بوده است که در دولت‌های نهم و دهم در قالب طرح وسیعتری تحت عنوان طرح تحول اقتصادی تدوین شده است. آنچه در پی می‌آید مشروح نشست کارشناسی که با حضور آقایان دکتر محمدعلی مرادی عضو هیأت علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، دکتر علی حسن‌زاده معاون پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دکتر علی خورسندیان مدیر کل امور بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارایی است که شامل اظهارات مقدماتی هر یک از مهمانان و پاسخ آنان به سوالات حضار می‌باشد.

خورسندیان:

در ارتباط با ضرورت هدفمندسازی یارانه‌ها تردیدی نیست. تمام مسئولین اقتصادی و غیر اقتصادی، مجلس، دولتی و غیردولتی در زمینه ضرورت هدفمندسازی، فرض بر این است که شک و تردیدی ندارند و همه نسبتاً به یک اجماع کلی رسیده‌اند. و اگر هم اختلافی باشد در رابطه با شیوه‌ها، زمان و چگونگی اجرای آن است. لذا در شیوه اجرا اختلاف نظر و سلیقه وجود دارد.

هدفمندسازی یارانه‌ها یک محور از هفت محور طرح تحول اقتصادی است که تقریباً به صورت لایحه‌ای به مجلس ارائه شده و حدود یک سال و چند ماه بین مجلس و دولت تعامل بسیار در ارتباط با لایحه وجود داشته است. نهایتاً لایحه مذکور مورد تایید قرار مجلس گرفت و به شورای نگهبان ارائه گردید و در غالب قانون بزودی ابلاغ می‌گردد و بر این اساس دولت مکلف است این قانون را اجرا کند.طرح هدفمندکردن یارانه‌ها به دلیل وسعت موضوع و بدلیل فراگیری در تمامی حوزه‌های اقتصاد دارای تبعات، آثار و پیامدهای اقتصادی است و به تعبیر بعضی یک جهش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

اقتصادی یا به‌عبارتی جراحی اقتصادی است و قاعدتاً یک الزامات جانبی نیز لازم دارد این الزامات جانبی می‌بایست همراه با راه کارهایی ارائه شود که آثار سوء را به حداقل کاهش دهد.

یکی از آثاری که هدفمندسازی یارانه‌ها دارد در حوزه پولی اقتصاد است. به این معنا که اگر قرار باشد قیمت حامل‌های انرژی در یک طیف ۵ ساله اصلاح شود با جزئیاتی که در قانون است، طبیعی است افزایش قیمت حامل‌های انرژی هزینه‌هایی را بر بنگاه‌های تولیدی و بر مصرف خانگی و خانوارها اضافه می‌کند بنابراین، هنگامی که فشار هزینه ایجاد می‌شود یک آثار افزایش قیمتی بدنبال دارد. آثار افزایش قیمتی ۱۴، ۱۵درصد علاوه بر تورم پایه است. نکته‌ای که مطرح می‌شود این است بنگاهی که با افزایش هزینه‌های تولیدی خود از این ناحیه مواجه می‌شود، به هرحال دچار بحران در این قسمت می‌شود. حال برای بنگاه‌های تولیدی چه تدابیری باید اندیشه شود تا هزینه‌های اضافی که بر آنها تحمیل می‌گردد به گونه‌ای جبران شود. در قانون،هدفمندسازی‌یارانه‌ها اشاره شده است که ۳۰درصد از آزادسازی قیمت‌ها طی فرایندی به عنوان کمک به بنگاه‌های که از این ناحیه متضرر می‌شوند اختصاص می‌یابد.

کمک‌های دیگری در حوزه‌ی مالیات نیز امکان پذیر است. یک سری فعالیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی به این رشته از بنگاه‌ها که دچار ضرر می‌شوند امکان پذیر است. در بخش خارجی اقتصاد و واردات مواد اولیه و نهادهای تولیدی می توان سیاست‌هایی را در جهت اصلاح تعرفه‌ها تدوین نمود در کنار این حمایت‌ها، باید یک بسته سیاست پولی در راستای هدفمندسازی یارانه‌ها نیز تنظیم شود.به عبارت دیگر در بخش پولی کشور، تمهیداتی باید اندیشیده شود به گونه‌ای که بنگاه‌های تولیدی از ناحیه آزادسازی قیمت‌هاکمتر ضرر کنند. بحث دیگری که در این ارتباط مطرح است آن است که در صورت اصلاح قیمت‌ها باید مشخص شود که تقاضای نقدینگی، تقاضای معاملاتی پول در کشور چقدر افزایش پیدا می‌کند. زیرا در یک سطح قیمتی، یک جریان تقاضای معاملاتی وجود دارد هنگامی‌که قیمتها افزایش پیدا می‌کند چه در سطح خانوار چه در سطح تولید کننده به همان اندازه تقاضای معاملاتی افزایش پیدا می‌کند. به این معنا که مردم متقاضی یا بنگاه‌ها متقاضی حجمی از پولی هستند که بتوانند معاملات خود را انجام دهند آیا مقداری که قرار هست از آزادسازی قیمت‌ها برگردد و دوباره تقسیم شود این را پاسخگو هست؟ قاعدتاً در حوزه‌های اقتصادی نمی‌توان فهمید این ۱۰۰ درصد آزادسازی که از قیمت ایجاد می‌شود به خانوارها، بنگاه‌ها برگردد و دوباره جبران آن قسمت از نقدینگی را بکند. بنابراین سیاست‌های پولی کشور باید مشخص نماید، نقدینگی از این ناحیه چقدر افزایش پیدا می‌کند و تقاضا چقدر افزایش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

می‌یابد و چه گونه باید جبران شود. در همین ارتباط، نقش بانک‌ها نیز مطرح می‌شود قاعدتاً یک تحول در اقتصاد باید صورت می‌گیرد. نرخ سود بانک، که ناشی از شرایط اقتصادی است با تورم مقایسه می‌شود، در این شرایط نرخ سود چگونه باید باشد و تابع چه سیاستی اعمال گردد. در راستای هدفمندسازی یارانه‌ها، به دلیل افزایش هزینه‌ها سیاست‌های پولی چگونه نقش ایفا می‌کند؟سیاست انقباضی،یا سیاست انبساطی، کدام سیاست پولی باید اجرا شود. در شرایطی که امکان دارد هم رکود هم تورم در اقتصاد داشته باشیم.

حسن زاده:

موضوعی که جناب خورسندیان مطرح کردند موضوع چالش برانگیز است و بحث کردن در رابطه با این شرایط بسیار مشکل خواهد بود. با توجه به اینکه هنوز بسته سیاستی که اشاره فرمودند در رابطه با سیاست‌های پولی از طریق بانک مرکزی ابلاغ نشده و به صورت خیلی مختصر اطلاعاتی در این رابطه با بسته وجود دارد که در سال ۱۳۷۸ مطرح شده و بسته سیاستی ۱۳۸۹ تقریباً در همان چارچوب با تفاوت‌های بسیار اندکی ارائه می‌شود، بحث اهداف یارانه‌ها، به‌ویژه یارانه‌های انرژی طی ۳۰ سال گذشته به طور مستمر مشکلات و محدودیت‌های خاصی را برای اقتصاد کشور بهمراه داشته از جمله مهم‌ترین این محدودیت‌ها و مشکلات تخصیص غیر بهینه منابع و تغییر ساختار تولید و مصرف از وضعیت بهینه بوده است.طی این مدت، بخش قابل ملاحظه‌ای از ثروت ملی این کشور به شکل یارانه‌ها مصرف شده، علیرغم این‌که این سیاست به عنوان یک سیاست در جهت بهبود وضعیت توزیع درآمدها در کشور بوده و یا به عنوان یک سیاست مشوق رشد اقتصادی مطرح شده است. اما ارزیابی که از این اجرا، یا عملکرد این سیاست طی سال‌های گذشته نشان داده شده است این سیاست را یک سیاست ناکارآمد، هزینه بر و کم اثر بر اقتصاد کشور یا حداقل دارای اثر در دو حوزه، یعنی تشویق رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد معرفی کرده است. اگر بخواهیم به منافع یا مضرات ادامه این روند اشاره داشته باشیم تاکید بر استفاده انرژی ارزان قیمت، بحث منافع نسل‌های آتی یا بهره‌مندی نسل‌های آتی را از این منابع خدادادی با مشکل جدی روبرو می‌کند. مسئله دیگری که وجود دارد، بحث آلودگی محیط زیست است که به‌هر حال اصلاح ساختار نامناسب الگوی مصرف در بخش انرژی باعث می‌شود که هزینه‌های قابل توجه زیست محیطی را بر کشور تحمیل کند. برآوردی که در داخل کشور انجام شده رقم معادل ۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ است که نشان می‌دهد که مصرف بی رویه انرژی می‌تواند آثار زیست محیطی، انتشار گازهای گلخانه‌ای را به‌همراه داشته باشد. یا حتی برآوردی که توسط موسسات تحقیقاتی خارج از کشور صورت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

گرفته است برآورد ۱۸ میلیارد دلار است. اجرای این طرح آثار و تبعات مختلفی دارد در بخش‌های مختلف اقتصاد این آثار می‌تواند وجود داشته باشد صرفاً تبعات آن را در بخش بازار پول یا نظام پولی نیست بلکه تبعاتی را از طریق افزایش هزینه‌ها، بر شرکت‌ها، موسسات یا بخش‌های تولیدی که عمدتاً از تکنولوژی‌های انرژی‌بر استفاده می‌کنند. نشان می‌دهد بر اساس برآورد خوش‌بینانه‌ای ۱۵درصد افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها را خواهیم داشت. اگر چه برخی پیشبینی‌ها نرخ تورم بالا را پیش‌بینی می‌کنند. یک کانال تاثیرگذار سیاست هدفمندکردن بر بخش پولی از طریق تورم می‌باشد. کانال دیگری که می‌توانیم به آن اشاره کنیم اثر ترازنامه‌ای است که می‌تواند بر ساختار مالی بانک‌ها تاثیر بگذارد بدین معنا که ، بانک‌ها می‌توانند تغییری متناسب با افزایش تورم در سیاست‌های اعتباری یا در نرخ سودی که به سپرده‌ها می‌دهند داشته باشند که خود این امر بر ساختار و رشد بخش‌های صنعتی آثاری بر جا می‌گذرد مانند رکود بخش تولید، به هر حال شرکت‌ها و موسساتی که از تسهیلات و اعتبارات بخش بانکی استفاده کرده‌اند. در بازپرداخت این اعتبارات دچار مشکل و نقصان می‌شوند. به طبع مطالبات معوق بانک‌ها مجدداً با نرخ رشد بیشتری افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر آثار ترازنامه‌ای را برای بانک‌ها بدنبال خواهد داشت. متناسب با این آثار که بدیهی و بارز است و بر بخش پولی و اعتباری ما اثر می‌گذارد ضروری است سیاست‌های پولی ما به صورتی طراحی شود که، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را که بعنوان یکی از بارزترین تبعات اجرای این طرح است را کنترل نماید بدیهی است در چنین شرایط افراد تمایل دارند که نسبت بیشتری از اسکناس و مسکوک را نزد خود برای انجام معاملات روزمره نگه دارند. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها قدرت خرید پول ملی را کاهش می‌دهد و به طبع قدرت خرید افراد را نیز کاهش می‌دهد. لذا متناسب با این بحث، برای این‌که افراد بتوانند معاملات روزمره خودشان را انجام دهند مجبور خواهند بود سهم بیشتری از اسکناس و مسکوک را برای خودشان نگه دارند یا به عبارت دیگر تقاضای معاملاتی برای پول شروع به افزایش می‌کند.تقاضای بیشتر اسکناس و مسکوک سبب می‌شود نسبت اسکناس و مسکوک به کل سپرده‌ها افزایش یابد می‌دانیم حجم پول از دو بخش تشکیل شده است:

۱- بخش پایه پولی

۲- ضریب فراینده پولی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

بدیهی است نسبت اسکناس، مسکوک به کل سپرده‌ها یکی از اقلام تشکیل دهنده ضریب فزاینده پولی است. ضریب فزاینده پولی به عنوان اولین متغیر بخش پولی است که در بعد عرضه نسبت به افزایش قیمت‌ها یا تبعات اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها واکنش نشان می‌دهد.

اگر شرایط کنونی را بخواهیم ادامه دهیم،با توجه به آنچه که در بسته‌های سیاستی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۸۷) مطرح شده و با توجه به رابطه حجم پول و تورم عمدتاً سیاست‌های پولی کشور در راستای کنترل حجم نقدینگی به‌عنوان مهم‌ترین عامل برای کنترل تورم می‌باشد.

در این شرایط، ادامه روند موجود منجر خواهد شد که حجم نقدینگی در کشور کاهش پیدا کند. کاهش حجم نقدینگی در کشور با توجه به تبعاتی که بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ داشته است از یک سو به دلیل فشار ناشی از هزینه‌هایی که به بنگاه‌ها و بخش‌های صنعتی تحمیل می‌گردد آنها را با کمبود نقدینگی روبرو می‌کند از سوی دیگر، افزایش تورم را به دنبال دارد.تبعات افزایش قیمت‌ها بدلیل کاهش ضریب فزاینده پولی مشکل نقدینگی را برای شرکت‌ها بدنبال دارد بنابراین، برای حفظ شرایط می‌بایست متناسب با کاهش ضریب فزاینده پولی، بانک مرکزی پایه پولی را تحت تاثیر قرار دهد و از طریق رشد پایه پولی کاهش ضریب فزاینده نقدینگی را جبران کند. به طبع با توجه به آن تعریفی که از نقش نقدینگی در تورم شد مجدداً با یک افزایش ثانویه در قیمت‌ها روبرو خواهیم شد پس در مرحله اول در بعد عرضه پول فشاری وارد می‌شود که نوع سیاست انتخابی ما را دچار ابهام می‌کند. این امر مشخص نمی‌کند که آیا یک سیاست انقباضی پولی داشته باشیم یا یک سیاست انبساطی پولی، به هر حال بهترین انتخاب ما یک سیاست ترکیبی است اصولاً سیاست‌های پولی نقشی برای تثبیت شرایط اقتصادی یا قیمت‌ها را دارند. در یک اجماع کلی سیاستهای پولی بانک‌های مرکزی صرفاً در جهت کنترل سطح عمومی قیمت‌ها یا کنترل تورم می‌باشد.

به‌عبارت دیگرسیاست‌های پولی عمدتاً با این جهت‌گیری یعنی صرفاً با محوریت کنترل تورم مطرح می‌شود. موضوعات، اهداف اقتصادی دیگری که مطرح شده می‌توانند از طریق سایر سیاست‌های اقتصادی هدایت گردد. البته عمدتاً سیاست‌های پولی بانک مرکزی باید در راستای اهدافی باشد که اهداف دولت را تامین کند. وظیفه بانک مرکزی کنترل تورم است و سایر اهداف اقتصادی از طریق سایر ابزارهای سیاستی اتخاذ می‌گردد. از بعد تقاضا اگر بخواهیم پیرامون تقاضای پولی بحث کنیم. با افزایش قیمت‌ها تقاضای برای اسکناس و مسکوک افزایش می‌یابد.یعنی تقاضای معاملاتی افزایش پیدا می‌کند. تغییری در ساختار پول، ایجاد می‌شود یعنی برای جبران این

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

تقاضا سیستم پولی باید سعی کند در جامعه پول تزریق کند. بخشی از این افزایش تقاضای معاملاتی مربوط به نیاز مصرف‌کنندگان به نقدینگی بیشتر برای انجام معاملات خود و بخشی دیگر مربوط به نیاز بنگاه‌ها یا شرکت‌ها به سرمایه در گردش بیشتر می‌باشد. عدم تامین این، نقدینگی موجب می‌شود که این موسسات با مشکل کمبود نقدینگی مواجه شوند. عدم تامین نقدینگی، به طبع می‌تواند شرایط اقتصاد را به سمت یک وضعیت رکودی هدایت کند. در واقع هم تورم خواهیم داشت هم رکود. اگر سیاست‌های متناسب را اتخاذ نکنیم. اثر دیگری که به هر حال می‌تواند داشته باشد. آثار ترازنامه‌ای است.

در حال حاضر یکی از مشکلات اصلی سیستم بانکی، بحث مطالبات معوق است. بر اساس آمارهایی که وجود دارد سهم مطالبات معوق بانک‌ها از کل تسهیلات بانکی حدود ۳۵ درصد می‌باشد. در این شرایط با اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها و افزایش هزینه موسسات اقتصادی، به‌ویژه صنایعی که جزء صنایع انرژی بر هستند (صنایع فولاد، سیمان، آلومینیوم) و به نظام بانکی نیز بدهی دارند. با مشکل مواجه خواهند شد. مسلماً هنگامی‌که قیمت‌ها بالا رود، تقاضا برای محصولات آنها کاهش خواهد یافت و نرخ رشد آنها کاهش خواهد یافت و متعاقباً بازپرداخت بدهی‌شان به سیستم بانکی نیز دچار مشکل خواهد شد که نهایتاً یک فشار مضاعفی را بربدنه سیستم بانکی وارد خواهد کرد. یکی دیگر از موارد و نکاتی که در بحث از سیاست‌های پولی مطرح می شود، بند الف ماده ۱۸ قانون پولی، بانکی کشور است که در این بسته سیاستی مد نظر واقع می‌شود. سیستم بانکی به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی ما به طبع، پذیرای یک آزاد سازی است. جراحی اقتصادی باید تمام بخش‌های اقتصادی را در بر بگیرد. سیاست‌های پولی نیز باید عیناً با روح این لایحه منطبق باشد.

اگر نرخ تورم متناسب با این پیش‌بینی که مطرح می‌شود افزایش پیدا کند به ۲۹ درصد یا ۳۰درصد بر اساس بسته سال ۱۳۸۷ که قبلاً طراحی شده است برسد و در چنین حالتی، نرخ سود بانکی نیز باید متناسب با نرخ تورم تعدیل شود. با حداکثر ۳ درصد حق وکاله‌ای که بانک‌ها دریافت می‌کنند. نرخ سود باید افزایش پیدا کند. اگر نرخ سود سپرده‌ها افزایش پیدا نکند در صورت افزایش نرخ تورم و قرار گرفتن آن در سطح ۳۰ درصد، آنگاه سیستم بانکی درجذب سپرده‌ها با مشکل مواجه می‌شود زیرا نرخ‌های سود بانکی که در حال حاضر به سپرده‌ها تعلق می‌گیرد علائم مناسبی برای جذب پس اندازها نخواهد بود. در حال حاضر بیشترین میزان نرخ سود معادل ۲۲ درصد است که به سپرده‌های ۵ ساله تعلق می‌گیرد. اگر بانک‌ها بخواهند روال عادی را حفظ کنند

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

و با شرایط فعلی منابع را جذب نمایند لازم است نرخ سود سپرده‌ها را افزایش دهند و متناسب با آن نرخ سود تسهیلات هم باید تعدیل شود. در بسته سیاستی قبلی در امور مشارکتی بانک‌ها دستشان باز بوده است و یک تعامل بین بانک و مشتری براساس توافق نرخ سود بخصوص روی عقود مشارکتی وجود داشته است.

به عبارت دیگر، روح آزادسازی در بسته سیاست‌های پولی در رابطه با بحث نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده‌ها باید مدنظر قرار بگیرد که البته در بسته سیاست‌های پولی سال ۱۳۸۹ اگر این نرخ را کاملاً آزاد بگذارند و تاکیدی روی میزان آن نداشته باشند. می‌توان امیدوار بود نرخ سود متناسب با نرخ تورم بتواند افزایش داشته باشد.

موضوع دیگر، مرتبط با بسته سیاست‌های پولی، سیاست مربوط به آزادسازی نرخ ارز است. عمدتاً در این راستا، نرخ ارز باید بر اساس قدرت خرید پول ملی تعیین شود. اگر سیاست‌های پولی منطبق با لایحه آزادسازی قیمت‌ها تعدیل شود، فشار دو چندانی بر بخش بانکی تحمیل خواهد شد. اگر بخواهیم سیاست‌های اعتباری را به این سمت سوق دهیم که شیوه تامین مالی برای بخش‌های اقتصادی عمدتاً با تکیه بر نظام بانکی باشد تقریباً ۹۵ درصد از منابع مالی بخش‌های تولیدی از بخش بانکی تامین می‌شود و ۵ درصد از بازار سرمایه تامین می‌شود. بحث آزادسازی، هزینه‌هایی را بر بخش‌های اقتصاد تحمیل می‌کند، اگر بخواهیم این هزینه‌ها را از طریق تسهیلات بانکی تامین کنیم و به صورت دستوری بر بانکها تحمیل کنیم. این امر موجب انتقال مشکلات مالی بخش واقعی به بخش بانکی خواهد شد به منظور جلوگیری از فشار مضاعف بر بخش بانکی که خود هم اکنون دچار مشکلات متعددی می باشد لازم است که سیاستهای پولی و ارزی متناسب با طرح هدفمندکردن یارانه‌ها تنظیم گردد. سیاست‌های آزاد سازی نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات نیز می‌بایست مد نظر قرار گیرد. در کنار این امر بحث مدیریت ریسک در سیستم بانکی مطرح می‌شود در بحث مطالبات معوق بانک‌ها نیز می‌بایست بانک‌ها مکانیزم‌ها یا سازکارهای خاصی برای اخذ مطالبات خودشان طراحی کنند. آزاد سازی نرخ ارز یا تعیین نرخ ارز نیز باید بر اساس برابری قدرت خرید پول واقعی و پول خارجی تعیین شود.

مرادی:

۱. این طرح با این چارچوب و محتوا دارای آثار و تبعاتی است؟ که مسلماً آثار آن را بطور دقیق می‌بایست در بخش واقعی اقتصاد و در حوزه پولی بررسی کرد و متناسب با آن سیاست‌های را اتخاذ نمود به طوری‌که تاثیر منفی این طرح به حداقل برسد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

به عبارت دیگر برای تبیین آثار این بحث، می‌بایست یک چارچوب تحلیلی تعیین گردد. یک چارچوب تئوریک که آثار این طرح را حوزه‌های تولید، بخش حقیقی اقتصاد، مصرف، سرمایه‌گذاری، بخش خارجی اقتصاد، صادرات، واردات، پس‌اندازها، پول، بازارکار، تورم و مجموعه متغیرهای کلیدی بررسی نماید و مشخص گردد هرکدام از این حوزه‌ها با چه درجاتی یا عمقی، درچه دوره زمانی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت) تاثیر می‌پذیرند. یا بطور کلی می‌بایست آثار طرح را در سه بخش ذیل:

۱. بخش تولید و عرضه اقتصاد: در چارچوب تحلیل‌های بازار عرضه و تقاضا

۲. بازار کار

۳. بازار پول

بررسی کرد.

در سمت عرضه در چارچوب تئوری‌های اقتصادی، بحث تولید مطرح است، بهره‌وری و عوامل موثر بر آن یکی از متغیرهایی که تحت تاثیر این طرح است و همه به آن اذعان دارند لذا باید توجه کرد آثار تورمی این طرح در بخش تولید و عرضه چه تبعاتی را به دنبال دارد. انرژی به‌عنوان یک عامل تولید است که در واقع افزایش هزینه را به دنبال دارد و از طریق تابع تولید، بر رشد، تولید تأثیر می‌گذارد، در واقع با ثابت بودن سایر شرایط، عرضه کل اقتصاد از ناحیه آثار تورمی آن و افزایش هزینه که هم بحث تئوریک و هم بحث کانال‌های انتقال قیمت‌ها را مطرح می‌کند در بحث تئوریک، افزایش هزینه تولید یا افزایش هزینه انرژی به‌عنوان یک عامل تولید و در حوزه‌های مختلف صنعت، حمل و نقل، کشاورزی، بخش‌های مختلف تاثیر خودش را دارد و باعث می‌شود عرضه کل اقتصاد کاهش پیدا کند. البته با تحولاتی که در بخش پولی صورت خواهد گرفت تغییرات خالص عرضه ممکن است مثبت یا منفی باشد.

نکته بعدی خود تورم است که تاثیر منفی بر بهره‌وری می‌گذارد. در واقع مطالعات تجربی در ایران نشان می دهد در سطح کلان افزایش سطح قیمت‌ها بر بهره‌وری تاثیر منفی و قابل توجهی دارد.

موضوع دوم، کاهش بهره‌وری و به تبع آن کاهش عرضه و رشد اقتصادی در اقتصاد است در اقتصاد ما یک درجه‌ای از نااطمینانی وجود دارد که در حوزه‌های مختلف تاثیر می‌گذارد. یکی از حوزه‌هایی که تاثیر پذیر است سرمایه‌گذاری است، سرمایه‌گذاران نمی‌دانند با چه نرخ تورمی و چه سطح قیمتی سرمایه‌گذاری کنند. لذا افزایش نا اطمینانی تاثیر منفی روی متغیرهای کلان از جمله

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

بخش حقیقی اقتصاد و بخش تولید دارد. ریسک در فرایند تولید و مصرف قابل مدیریت است، یعنی نهادهای بیمه‌ای می‌توانند ریسک را توزیع کنند.با توجه به نا اطمینانی که در تاثیر اجرای این طرح وجود دارد. بنابر این چه از بعد تولید، چه از بعد بهره‌وری، چه از بعد نااطمینانی اگر موضوع را دنبال بکنیم ممکن است کاهش رشد اقتصادی، کاهش عرضه کل اقتصاد را بدنبال داشته باشد. در این جا، دو نکته مطرح است سیاست‌های مالی چگونه خواهد بود؟ سیاست‌های پولی نیز به چه صورت اعمال می‌گردد؟

از ناحیه اجرای این طرح و در چارچوب سیاست‌های مالی و سیاست‌های پولی طبیعتاً افزایش قیمت حامل‌های انرژی منجر به این می‌شود که تولیدکنندگان به دنبال این باشند که فرایند تولید را تغییر دهند، ساختار تولید را تغییر دهند. ضمن اینکه تغییر ساختار تولید در کوتاه مدت امکان پذیر نیست اما، در بلندمدت این امر امکان‌پذیر است.بنابر این سیاست‌های دولت در حوزه‌های مالی و پولی باید رویکرد کوتاه‌مدت، میان مدت، بلند مدت داشته باشد. در دوره کوتاه مدت، سیاست پولی می‌تواند این نوسانات تولید را مدیریت بکند. دامنه نوسانات را تقلیل بدهد. این مستلزم این است که بارویکرد، با ثبات‌سازی متغیرهای اقتصاد کلان، سیاست پولی انقباضی اجرا شود.

رویکرد دوم یا موضوع دومی که مربوط به سیاست‌های پولی می‌شود این است که دولت نمی‌تواند نسبت به افزایش هزینه کسب و کار بی‌تفاوت باشد و این مستلزم آن است که حمایت‌های پولی نسبت به افزایش هزینه را با رویکرد انبساطی دنبال کرد.

بنابراین یک دوگانگی وجود دارد. سیاست‌های پولی برای کاهش آثار تبعاتی منفی اجرای طرح هدفمندکردن‌یارانه‌ها باید انبساطی باشد یا انقباضی؟

آنچه مسلم است و تجربه و برنامه‌ها نشان می‌دهد، همیشه دولت‌ها در همه برنامه ها چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب علاقه داشته اند که سیاست انبساطی اجرا کنند.

بعد از انقلاب رشد نقدینگی ۱۴ درصد بوده است در برنامه چهارم ۲۰ درصد بوده یعنی همیشه دولت رویکرد انبساطی داشته است. بنابراین با توجه به سازمان‌های غیر رسمی در اقتصاد نمایندگان بخش خصوصی که متولیان تولید هستند و طبیعتاً اهرم فشاری می‌باشند. لذا دولت از یک طرف می‌خواهد پاسخگو باشد و ازسوی دیگر سیستم‌های پولی فعالی داشته باشد. لذا پیش‌بینی این است که سیاست پولی انبساطی، اتخاذ خواهد شد در سمت تقاضای اقتصاد چه شرایطی وجود دارد؟ در سمت تقاضای اقتصاد یکی از متغیرهای کلیدی مصرف است. مصرف چه تاثیری از این طرح می‌پذیرد؟ طبیعتاً، باز باید تابع مصرف را نگاه کنیم. تورم، یکی از متغیر های تاثیرگذار بر

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

مصرف است. اگر تورم افزایش پیدا کند، با فرض ثابت بودن درآمد قابل تصرف،افزایش تورم بر مصرف تاثیر منفی می گذارد.

موضوع دیگر افزایش مخارج خانوارها است. الگوی مصرف یک متغیر چسبنده است، متغیری نیست که مثل سرمایه‌گذاری انعطاف بالایی داشته باشد.

در ارتباط با جزء دوم متغیر سمت تقاضا که سرمایه‌گذاری است. در سرمایه‌گذاری طبیعتاً بحث درآمد ملی و نرخ ارز مطرح می شوداگر نا اطمینانی افزایش پیدا کند سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند، قدرت خرید پول ملی کاهش پیدا می‌کند، و این در شرایطی است که در چند سال اخیر سرمایه‌گذاری به شدت کاهش پیدا کرده است.

موضوع بعدی، مخارج دولت است بخشی از منابع در اختیار دولت قرار می‌گیرد سیاست مالی انبساطی تر خواهد شد افزایش بودجه دولت تاثیر مثبت روی افزایش تورم دارد. از این ناحیه سطح قیمت‌ها دوباره افزایش پیدا می‌کند.

بخش خارجی اقتصاد چه تاثیری می‌پذیرد؟ در ارتباط با صادرات، افزایش قیمت‌ها، کالاهای صادراتی را گرانتر می‌کند و بر این اساس صادرات تقلیل می‌یابد و در چارچوب کاهش ارزش ریال یا افزایش نرخ ارز، باعث می‌شود که توان صادراتی افزایش پیدا کند.

دوگانگی در اینجا وجود دارد. تجربه حقایق اقتصادی ما نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها بر صادرات تاثیر منفی می‌گذارد با افزایش نرخ ارز، صادرات عکس العمل زیادی نشان نداده است و این امر نمایانگر آن‌است با دست‌کاری قیمت‌ها، تخصیص منابع را نمی‌توانیم متحول کنیم.

بنابراین بایستی از تجارب خود استفاده کنیم این سیاستگذاری چقدر می‌تواند وضع مردم را بهتر بکند. چقدر می‌تواند بخش حقیقی را متحول کند. لذا می‌بایست تاثیر این طرح را بر متغیرهای کلان نیز بررسی نمود. بدین معنا سیاست‌هایی را اتخاذ کنیم که آثار منفی این طرح را به حداقل برساند.

لذا دولت می‌بایست سیاستی را اتخاذ کند که منجر به کاهش تورم شود. سیاستی را اتخاذ کند که منجر به افزایش تولید بشود.در حوزه تولید اصلاح ساختارها نیز مطرح است که این امر یک پدیده میان مدت و بلند مدت است. موضوع دیگر، افزایش اشتغال است. دو متغیر کلیدی تولید و اشتغال مربوط به بخش حقیقی اقتصاد است و معمولاً سیاست‌های پولی یا سیاست‌های سمت تقاضا به صورت عام و سیاست‌های پولی به صورت خاص یک سیاست کوتاه مدت است.این سیاست‌ها، سیاستی نیستند که تولید را دگرگون کند. ماهیتاً سیاست‌های کوتاه‌مدت هستند. دولت‌ها هم برای با

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

ثبات کردن نوسانات اقتصادی در چارچوب ادوار تجاری از این سیاست استفاده می کنند. بنابراین بحث تغییر ساختار سطح تولید با این سیاست امکان پذیر نیست.

لازم است سیاست‌های بلندمدت بخش حقیقی اقتصاد را متحول کرد و این امر مستلزم این است که متغیرهایی را هدف قرار داد که تحت تاثیر پارامترهای کلیدی اقتصاد هستند مانند افزایش سرمایه‌گذاری یا بحث افزایش مخارج (R&D) یا افزایش مخارج آموزشی یا افزایش مخارج بهداشت و درمان، اگر دولت بخواهد آثار منفی این طرح را در بخش اقتصاد کاهش دهدباید رویکردش سیاست‌هایی باشد. که دولت بودجه جدیدی در اختیار داشته باشد، و مدیریت بودجه این تحولات امکان پذیر نیست. می‌توان آثار منفی را در کوتاه مدت حل کرد. ۴۰ سال است دنبال افزایش (R&D) نسبت به GDP هستیم در این ۴۰ سال حدود نیم درصد این امر محقق شده است. بنابر این، سیاستهایی که می‌خواهد بخش حقیقی را متحول کند چشم انداز روشنی با این ساختار بودجه ندارد. لذا بخش تولید ما از این ناحیه، در میان‌مدت و بلندمدت صدمه می‌بیند. بحث اصلاح خط تولید، بحث ارتقا بهره‌وری در فرایند تولید و به تبع کاهش هزینه، رویکردی بوده که در کشورهای غربی از سال ۱۹۷۳ مورد توجه بوده است و در این طرح نیز مد نظر می‌باشد. آنها وابستگی تولید به نفت را در طی پروسه ۳۰ ساله از ۱۰۰ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسانده‌اند اما در کشورهای در حال توسعه وابستگی تولید به انرژی نفت افزایش پیدا کرده است و در همین مدت از ۱۰۰ به ۱۱۴ افزایش پیدا کرده است.

در یک پروسه بلندمدت کشورهای پیشرفته موفق شدند وابستگی را کم کنند اما در کشور ما با توجه به ساختاری که داریم، با توجه به نحوه مدیریت تخصیص منابع و سیاست‌های که در حوزه علمی، فنی داریم برای این وابستگی چشم انداز روشنی وجود ندارد که از طریق سیاست‌های دولت حل شود. در هر حال وضعیت مردم در صورتی بهبود پیدا خواهد کرد که در حوزه تولید، و رشد تحول اساسی بوجود آید بنابراین و صرفاً از طریق توزیع پول و شیوه‌های کوتاه مدت این امر محقق نمی‌شود و لذا مسئله مهمی که پیش روی دولت است در ارتباط با سیاست‌هایی است که بخش تولید را متحول کند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

سوالات مطرح شده در این نشست با توجه به موضوعات مورد بحث بشرح ذیل می‌باشد:

سوال: آیا سخنرانان با اجرای این طرح موافق هستند یا خیر؟

حسن‌زاده: بحث‌هایی که مطرح شد در رابطه با مزایای ضرورت طرح می‌باشد عمدتاً اشاره کردیم پایین نگه داشتن قیمت‌های انرژی از طریق پرداخت یارانه‌ها، طی سال‌های گذشته مسائلی راایجاد کرده است. مانند بحث اسراف در مصرف انرژی، اتلاف در منابع به عنوان مثال به دلیل ارزان بودن قیمت برق، وقتی در خانه هستیم یا مهمان داریم همه چراغ‌ها روشن است یا انرژی گاز که در ادارات دولتی و در خانه‌ها بصورت استفاده زیاد از سیستم گرمایشی هدر می‌رود مسلماً هنگامی که قیمت‌ها اصلاح می‌شود، بخش عمده‌ای از این اسراف در مصرف از بین می‌رود.

آثار زیست محیطی انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌دلیل زیاد مصرف کردن تقریباً معادل هفت میلیارد دلار در سال هزینه‌های زیست محیطی را بر ما تحمیل می‌کند. مصرف بی رویه انرژی باعث می‌شود. بحث قاچاق فرآورده‌های نفتی را به دلیل تفاوت قیمتی که وجود دارد از کشور ما به سمت کشورهای همسایه فراهم نموده است.

موضوع دیگر فناوری جدید در ساختار تولید صنعتی است که بخاطر انرژی ارزان وارد نشده است. تولیدات ما انرژی بر است در بحث تولید انرژی، عمدتاً تمام صنایع بزرگ ما از سوخت های فسیلی استفاده می‌کنند. ما به دنبال راهکارهای جدید برای تولید انرژی‌های جدید در کشورمان نبوده‌ایم یعنی انرژی باد، خورشیدی و غیره. در حالی‌که منطقه کویر بزرگ، مکان مناسب برای تولید انرژی خورشیدی است اما تا کنون استفاده نشده است. اینها نمایانگر پیامدهای منفی پرداخت یارانه‌ها در بخش انرژی است. پس اصلاح ساختاری قیمتی مزیت‌های متعددی را در بر دارد و مسلماً ضرورت اجرای این طرح احساس می‌شود.

سوال: بهتر نیست یک سری اصلاحات پایه‌ای انجام بدهیم بعد طرح اصلاحات قیمت‌ها را اجرا کنیم؟

حسن‌زاده: طرح هدفمند کردن یارانه، یک بخش از طرح تحول اقتصادی است. اصلاح ساختار اقتصادی کشور به گونه‌ای است که اگر ما یک طرف را اصلاح کنیم و طرف دیگر را دست نزنیم،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

به طبع اقدامات عقیم می ماند و اثر بخش نیست لذا متناسب با آن باید تمام ساختارها و تحولات هم سو و همزمان با هم باشند.

سوال: در ارتباط با اجرای این طرح، شرایط اقتصادی ما با چه واقعیتهایی رو برو است..؟

مرادی: اولین نکته بحث تورم دورقمی است. بحث تورم در دنیا یک بحث حل نشده است.۱۲۵ کشور تورم زیر ۵ درصد دارند. ۱۸۰ کشور زیر ۱۰ درصد تورم دارند که یک رقمی است. چند کشور مانند ایران دارای تورم دورقمی هستند. شرایط کشور ما بدلیل اتخاذ سیاست‌های غلط با کارایی و بهره‌وری پایین مواجه است. بهره‌وری سرمایه از ۱۰۰ به زیر ۵۰ طی ۴۰ سال گذشته رسیده است. این برای کشور مسئله است. نسبت سرمایه گذاری به GDP در کشور ما طی ۴۰ سال گذشته ۲۷ درصد بوده است. رشد سرانه اقتصادی ما ۴/۲ درصد بوده است. این نسبت در کره جنوبی به میزان ۷ درصد بوده است.

برای تحولات ساختاری لازم است که طرح‌های اصلاح ساختاری داشته باشیم و بهره‌وری را افزایش دهیم. نیازمند رونق بخش تولید هستیم طرح هدفمندکردن در سال ۱۳۸۱ در دولت تصویب شد، اما مسکوت ماند، قرار بود بنزین به ۲۰۰ تومان برسد که به دلیل ملاحظات سیاسی، اقتصادی اجتماعی مسکوت ماند در حال حاضر موضوعی که نمی‌توان ساده از کنارش گذشت خود تعریف یارانه‌ها است.سیاست‌ها چگونه باید باشد تدریجی باشد، ناگهانی باشد، موضوعی است که در کشور ما مطرح است، تجربه دنیا هم در این زمینه وجود دارد.

سوال: آیا صرفاً آزاد سازی قیمت‌ها با اجرای طرح هدفمند کردن مورد نظر است؟

حسن‌زاده: صرفاً اگر آزادسازی قیمت‌ها مدنظر باشد هزینه‌های بیشتری را بر اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد. اما در کنار این، آزاد سازی اقتصاد نیز مطرح است. بحث رقابت پذیری بنگاه ها نیز باید مطرح شود. یعنی بنگاه‌ها باید بتواند در بلندمدت، افزایش هزینه‌ای که به آنها وارد می‌شودرا از طریق افزایش کارایی جبران کنند یعنی هزینه‌های اضافی را کاهش دهند. در این عرصه، اقتصاد می‌تواند روند تعادلی خودش را حفظ کند و به ساختار مناسبش برسد. در رابطه با سیستم اعتباری بانکها می‌بایست تسهیلات را به‌گونه‌ای جهت دهی کنند که به بنگاه‌های اعتبارات بدهند که به دنبال تکنولوژی های انرژی‌بر نباشند یا عمدتاً تسهیلات به بنگاه‌هایی تعلق گیرد که از کارایی و رقابت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

پذیری بالا برخوردارند. مانند بنگاه‌های زود بازده، اگر پرداخت تسهیلات به‌صورت دستوری شود و دست بانک بعنوان یک موسسه اقتصادی بسته باشد. ممکن است مجدداً بحث مطالبات معوق و ریسک پذیری بانک را افزایش دهد. اما اگر بانک ها دستشان باز باشد بهتر می توانند با این سیاست پیشنهادی، اعتبارات را در این مسیر هدایت کنند.

در ارتباط با بخش مسکن که عمدتاً به عنوان یک بخش پیشتاز در اقتصاد مطرح است. اگر سیاست‌های اعتباری به گونه‌ای باشد که رونق را به بخش مسکن بر گرداند می‌تواند رونق سایر بخش‌های اقتصادی را بدنبال داشته باشد و تا حدی مشکل رکود حل گردد.

در بحث سپرده‌ها در شرایطی که رکود به‌ویژه در بخش مسکن است و ریسک ممکن است بالا باشد. تمایلی برای خارج کردن سپرده‌ها از سیستم بانکی وجود ندارد بحث دیگری که در بسته سیاستی سال ۱۳۸۹ مطرح است تعیین نرخ سود است که متناسب با طرح هدفمند کردن می‌توانند انعطاف پذیری داشته باشد. این نرخ می‌تواند تغییر پیدا کند و از این بابت فشاری روی سیستم بانکی در جذب سپرده ها نیز وجود نداشته باشد.

سوال: نرخ سود بانک‌ها با طرح هدفمند کردن چگونه خواهد بود؟

مرادی: دولت قبلی هم نرخ سود را از ۲۲ درصد به ۱۶ درصد رساند در این دولت هم سیاست کاهش نرخ سود بانک‌ها تا ۱۲ درصد اعمال گردید. بنابراین ترجیح بانک این است که نرخ سود را افزایش دهد. بانک هم مثل یک بنگاه علاقه‌مند است قیمت‌هایش آزاد باشد.

جمع‌بندی کلی در ارتباط با طرح هدفمندکردن یارانه‌ها

حسن‌زاده: طی ۴۰ سال گذشته نظام بانکی ما عملکرد خوبی نداشته است. این همه پول تزریق شده است اما کارایی سرمایه به شدت پایین است. سیاست‌های پولی ما در بخش حقیقی درست عمل نکرده است. تخصیص منابع مخدوش شده و این امر باید تجدید نظر شود. اگر بانک مرکزی می‌خواهد در این امر فعالانه بر خورد بکند باید نحوه گزینش طرح‌ها را مدیریت کند. اجزای طرح باید با هم هماهنگی داشته باشد.رویکرد اصلی این طرح با توجه به مزایای زیادی که دارد، مضرات آن را حداقل می‌کند اگر بخش حقیقی متحول گردد در کوتاه مدت سیاست‌های پولی و در

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

میان‌مدت و بلندمدت سیاست‌های ساختاری می‌تواند ایفای نقش کند.اجرای طرح تحول اقتصادی کشور، ابعاد گسترده‌ای دارد.وقتی قیمت‌ها آزاد می‌شود، به طبع سرمایه‌گذار بخش خصوصی یا سرمایه‌گذار خارجی، بازار را رقابتی می‌بیند و شروع به سرمایه‌گذاری می‌کند.

در رابطه با بحث عقود، مبنای سیستم بانکداری ما سیستم اسلامی است.روح سیستم بانکداری اسلامی بحث مشارکت در سود و زیان‌ها است. بخش عمده فعالیت بانک‌های اسلامی خارج از کشور عمدتاً عقود مشارکتی است. مسلماً نرخ سودی که بانک باید از مشتری بگیرد متناسب با نرخ سودی است که در بخش حقیقی وجود دارد.

بخش عمده‌ای از منابع بانک‌های دولتی صرفاً از طریق سپرده‌های دیداری تامین می‌شود. بانک‌های خصوصی عمدتاً با عقود مشارکتی کار می‌کنند. هزینه پول برای آنها بالاست و عمدتاً منابع مالی خود را از طریق سپرده‌های بلند مدت تامین می‌کنند. حتی سپرده‌های جاری را حداقل ۹ درصد سود می دهند. بانک‌های دولتی یک محدودیت‌هایی دارند به طبع یک موسسه اقتصادی هستند و حاضر نیستند با نرخ زیر نرخ تورم وام بدهند و اگر بخواهند با زیر نرخ تورم، سود به سپرده بدهند مردم تمایلی به سپرده‌گذاری ندارند.

در بلند مدت، اگر سیاست پولی به گونه‌ای باشد که بتواند تورم را کنترل کند. متناسب با کنترل تورم نرخ سود بانکی می‌تواند کاهش یابد. اما مبنا نرخ های اسمی می‌بایست، سود متناسب با نرخ های بازدهی در بخش‌های حقیقی اقتصاد باشد. تورم ۹ درصد با واقعیت اقتصاد ما بیشتر سازگار است.در شرایطی که تورم ۳۰ درصد و یا ۵۰ درصد باشد. سود تسهیلات باید به همان اندازه افزایش پیدا کند این منطق در تمام نرخ‌های تورم صادق است. نظام بانکی و مشتریان می‌توانند این را تحمل کنند؟

ما تجربه تورم ۴۵ درصدی را داشتیم و نرخ سود سپرده‌ها بالا نرفته است. در کوتاه مدت مقامات پولی، تمهیداتی را باید در نظر بگیرند که نرخ تورم را تعدیل کنند. تجربه کشوری مانند ترکیه نشان می‌دهد تورم ۳ رقمی آنها متناسب با نرخ بهره و سود بانکی بوده است آنها ساختارها را اصلاح کردند اما اگر این روند بخواهد ادامه پیدا کند. طبق تئوری اقتصاد، سپرده‌گذار رفتاری عقلایی خواهد داشت. در شرایط تورمی منابع خودش را از بانک بیرون می‌کشدو در بخش‌های دیگری سرمایه‌گذاری می‌کند، تا کاهش جبران زیان را داشته باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی این طرح، ملاحظات مردم یا مصرف کننده را در انتخاب خود ندیده است.بهره‌وری به عنوان یک موضوع اصلی باید در طرح لحاظ شود. این طرح یک مجموعه است و یکی از اعضای مجموعه بحث هدفمندکردن یارانه‌ها است.

ملاحظات را باید مدنظر داشته باشیم. در این طرح، بخش حقیقی اقتصاد توسط دولت و بازار مدیریت می گردد. همچنین در قالب این طرح بحث مصرف انرژی نیز مدیریت خواهد شد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

فراخوان پذیرش مقاله جهت مجله اقتصادی (ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)

۱. معرفی و اهداف

مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی از سال۱۳۶۴ با هدف انتشار مقالات کارشناسان وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان‌های تابعه، اساتید دانشگاه‌ها و سایر کارشناسان در زمینه موضوعات اقتصادی در دست بررسی محافل سیاستگذاری کشور منتشر می‌شود. به منظور اثربخشی مقالات در سیاستگذاری‌های اقتصادی استفاده از آخرین اطلاعات و آمار با رویکرد کاربردی و ترویجی مورد تأکید است.

۲. شرایط پذیرش مقاله ها و نحوه ارسال آن

الف)مقالات از لحاظ محتوی شرایط زیر را داشته باشند:

۱. موضوع‌مقاله‌مرتبط با رشته‌اقتصاد باشدو متن‌آن دقیقاً به موضوع مقاله محدود شود.
۲. مقالات جنبه **کاربردی – ترویجی** داشته باشد.
۳. در مقالات ازآخرین‌آمارهاواطلاعات‌که متناسب با عنوان مقاله باشد، استفاده شود.

ب) راهنمای تدوین مقالات

۱.ارسال یک نسخه از مقاله تایپ شده همراه با فایل آن در لوح فشرده با برنامه **word-xp**، به انضمام فایل **pdf** آن و ارسال یک نسخه از خروجی کامپیوتری مدل‌های ارائه شده در مقاله و فایل آن.

۲ .تهیه چکیده با حداکثر ۲۰۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی به همراه حداکثر ۵ واژه کلیدی.

۳ .صفحه آرایی مقاله با حاشیه مناسب و شماره گذاری پیاپی صفحات آن.

۴ .عنوان‌ها و زیر نویس‌ها کوتاه باشند و منابع در صفحه مستقل و در انتهای مقاله ذکر شوند.

۵ .ارائه کامل مأخذ داده‌های مقاله که شامل مطالعات تجربی است ضرورت دارد، به طوری که خواننده بتواند نتایج مقاله را دوباره تولید کند. داده‌هایی که به سهولت قابل تهیه نیستند نیز در ضمیمه مقاله ارائه شود. در صورت افزایش حجم مقاله، نویسنده کپی از داده‌ها را در صورت لزوم به دفتر نشریه ارسال نماید.

۶ .فرمول‌ها و معادلات مقاله به صورت پیاپی در سمت راست آن به فارسی شماره‌گذاری شوند. در صورتی که استخراج روابط ریاضی خلاصه می‌شود، روابط کامل آنها جهت تسریع روند داوری در صفحه مجزا ارائه شود.

۷ .ذکر معادل انگلیسی واژه‌های تخصصی مورد استفاده در مقاله در پانوشت همان صفحه ارائه شود. علاوه بر این، ذکر انگلیسی اسامی غیر فارسی در پانوشت نیز ضرورت دارد.

۸ .در آخرین پاراگراف مقدمه، نحوه سازماندهی مقاله برای معرفی بخش‌های آتی مقاله ارائه شود.

۹.ضرورت دارد فایل جداول و نمودارها به گونه‌ای ارائه شوند تا امکان اصلاحات جزئی و تغییر اندازه آن امکان پذیر باشد. یادآوری می‌شود جداول راست چین، فارسی و دارای عناوین و مأخذ باشند. مقیاس‌ها در بالای جدول و در سمت چپ آن قید شود. در صورت تنوع مقیاس‌ها، پیشنهاد می‌شود هر کدام از آنها در بالای ستون مربوط ذکر شود. علاوه بر این، عنوان نمودارها در زیر آنها قید شود و واحدها مشخص باشند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]

۱۰.متن فارسی مقاله با قلم زر**(ZAR)** فونت ۱۳ و فاصله سطر یک سانت در برنامه **word xp** تایپ شود. معادلات و نماد متغیرها و زیرنویس‌های انگلیسی با قلم**Times New Roman** و با فونت ۱۰ تایپ شوند.

۱۱.منابع مقاله اعم از کتاب یا مقاله، به ترتیب الفبایی بر حسب نام خانوادگی نویسندگان مطابق مثال‌های زیر تنظیم شود:

نمونه کتاب:
رضویان، تقی (۱۳۸۳)، *تمرکززدایی مالی در کشورهای در حال توسعه و ایران*، تهران: انتشارات شروین، چاپ دوم.

نمونه مقاله:
فرج‌زاده، زکریا و بهاء الدین نجفی (۱۳۸۳)، "آثار کاهش یارانه مواد غذایی بر شاخص‌های فقر"، *فصلنامه بانک و کشاورزی*، شماره ۳، صص ۱۹۰-۱۷۷.

نمونه مجموعه مقاله :
نوری، کیومرث و سعید یزدانی (۱۳۷۹)"جهانی شدن اقتصاد و آثار آن بر بخش کشاورزی ایران (مطالعه موردی برنج و خرما)"، *مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، دانشگاه فردوسی مشهد.

نمونه انگلیسی کتاب:
Gramlich, Edward (1998), *Is It Time to Reform Social Security*?, New York, University of Michigan Press.

نمونه انگلیسی مجموعه مقاله:
Diamond, Peter ,A.(2000), "Administrative Costs and Equilibrium Charges with Individual Accounts", *In Administrative Costs and Social Security Privatization*. John Shoven, ed. Chicago: University of Chicago Press, Chapter 4.

نمونه انگلیسی مقاله در مجله:
Erosa, Andres & Mattin Gervais (2002),"Optimal Taxation in Life-Cycle Economies", *Journal of Economic Theory,* Vol. 105, No. 2, PP.338-369.

یادآوری ۱. چنانچه مقالات در چارچوب پیشنهادی تنظیم نشود، پیش از بررسی و داوری جهت اصلاح عودت داده می‌شود.
۲. مقاله حداقل توسط سه نفر داوری می‌شود و در نهایت پس از تایید هیئت تحریریه، چاپ خواهد شد.
۳. پس از چاپ مقالات، ۵ نسخه نشریه برای نویسنده مقاله ارسال می‌شود.

نشانی ارسال مقاله:
تهران، پاسداران، خیابان شهید حجت سوری، میدان احتشامیه، شماره ۳۱، معاونت امور اقتصادی، کد پستی ۴۴۱-۴۱-۱۹۴۴۸، **دفتر مجلات و نشریات**.
تلفکس:۲۲۷۷۱۸۹۷

Email: EJ@Econo.ir

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-10]